دیدگاههای ۳۳ تن از بزرگان امامیّه دربارهٔ اعتبار احادیث شیعی

[نکته‌های پژوهشی ـ ۵]

حجّت الاسلام مرتضی فرج‌پور*

چکیده: دربارهٔ مبانی ارزیابی اعتبار احادیث کتابهای حدیثی شیعه، دانشمندان امامی ـ از فقیه و متکلّم و مفسّر و محدّث ـ سخنانی گفته‌اند. بسیاری از آنان عقیده دارند که ارزیابی سندی، تنها عامل در بررسی اعتبار حدیث نیست. نگارنده در این مقاله، دیدگاههای ۳۳ تن از دانشمندان شیعه را ـ از قرن چهارم تا دورهٔ اخیر ـ در این زمینه آورده است که در این میان آنان، بزرگانی مانند شیخ مرتضی انصاری، مولی محمّدباقر وحید بهبهانی، مولی محمّد تقی مجلسی و علّامه محمّد باقر مجلسی را می‌توان یافت.

کلید واژه: احادیث شیعه ـ ارزیابی / کتابهای حدیثی ـ اعتبار / اعتبار حدیث ـ دیدگاه عالمان شیعی.

مقدّمه

۱. در مورد ارزیابی حدیث و توصیف حدیث به عنوان «صحیح»، دو دیدگاه کلّی میان علمای شیعه وجود دارد: دیدگاه قدماء و دیدگاه متأخّران.

---

*. محقّق و مدرّس، حوزهٔ علمیّهٔ قم.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.5.20.11.2]

قدما، نوع احادیثی را که در کتب معتبره آمده است، «صحیح» می‌دانستند، با ادلّهٔ خودشان. از جمله اینکه برخی از اصول چهارصدگانه به محضر ائمّه علیهم‌السلام عرضه شده و امامان معصوم بر آنها صحّه گذارده بودند. یک مبنای دیگر، این بود که یک حدیث در دو یا چند اصل نقل شود. و مبانی دیگر که در ادامهٔ گفتار به تفصیل خواهد آمد.

۲. متأخّران، علاوه بر آن، به سند حدیث نیز توجّه می‌کنند، آن هم با توجّه به تقسیمی که از زمان علّامه حلّی رواج یافت. در این نگاه سند محور، غالباً به متن نیز توجّه می‌شود (کاری که اغلب فقهای امامیّه انجام می‌دهند).

۳. برخی از حدیث‌پژوهان، چنان در سند محوری افراط کرده‌اند که توجّه به متن حدیث و قرائن موجود در متن را از یاد برده‌اند. آنان با این نگاه ویژه، خود را از بسیاری از حقایق احادیث امامیّه محروم ساخته‌اند؛ گاهی به این بهانه که دیدگاه اوّل را مختصّ علمای اخباری می‌دانند و سندمحوریِ محض را وسیله‌ای برای گریز از نگرش اخباری قلمداد می‌کنند.

۴. در این گفتار، مطالبی از ۳۳ عالِم، فقیه، محدّث، متکلّم و مفسّر امامی آمده که ضرورت توجّه به متن حدیث را درکنار بررسی سندی گوشزد می‌کند. این عالِمان، از قرن چهارم تاکنون همه بر این نکته پای فشرده‌اند که مبادا خود را به بهانهٔ سند محوریِ محض، از حقایق فراوان و بیمانندی که در احادیث امامیّه آمده، محروم کنیم.

۵. مطالب این بزرگان به ترتیب زمانی مرتّب شده است. به دلیل اینکه مخاطب این نوشتار، فضلا و پژوهشگران علم‌الحدیث هستند، از ترجمهٔ عبارات خودداری شد. نیز در برخی موارد، سخن به اجمال و ارجاع برگزار شد که امید است در فرصتهای دیگر، به تفصیل و تکمیل مطالب اقدام شود.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.5.20.11.2]

سیّد مرتضی (۳۵۵ـ۴۳۶)

منتقی الجمان، ج ۱، ص ۲ـ۳، الهدایة، ص ۱۶۷.

قال المرتضی رضي الله عنه:... إنّ أكثر أخبارنا المرويّة في كتبنا معلومة مقطوعة بصحّتها، إمّا بالتواتر من طريق الإشاعة و الإذاعة أو بأمارة و علامة دلّت على صحّتها.

محقّق حلّی (۶۰۲ـ۶۷۶)

المعتبر، ج ۱، ص ۲۹.

و كلّ هذه الأقوال منحرفة عن السنن و التوسّط أصوب. فما قبله الأصحاب أو دلّت القرائن على صحّته، عمل به. و ما أعرض الأصحاب عنه أو شذّ يجب إطراحه.

شهید اوّل (۷۳۴ـ۷۸۶)

و لايضرّ الإرسال، فإنّ الكليني ـ رحمة الله ـ ذكرها في الكافي و الشيخ في التهذيب. (ذکریٰ، چاپ سنگی، بحث استخاره، ص ۲۵۲. و نیز به نقل از آن: محدّث نوری در مستدرک الوسائل چاپ سنگی، ج ۳، ص ۵۳۲؛ چاپ حروفی، ج ۲۱، ص ۴۶۵)

شهید ثانی (۹۱۱ـ۹۶۵)

۱. محدّث قمی در تحفة الاحباب، ذیل یونس‌بن عبدالرحمن می‌گوید: و عن الشهيد الثاني: أورد الكشّيّ في ذمّه نحو عشرة أحاديث و حاصل الجواب عنها يرجع إلى ضعف بعض سندها و جهالة بعض رجالها. (تحفة الاحباب، ص ۵۸۶، رقم ۷۶۳)

میرداماد (۹۷۰ـ۱۰۴۱)

۱. قد يُحكم بصحّة المتن مع كون السند ضعيفاً. (الرواشح، ص ۱۹۳)

۲. اذا وجدت حديثاً بإسناد ضعيف، فلايسوغ لك أن تقول أنّه ضعيف المتن بقول مطلق و نعني بالإطلاق ضعف الإسناد و المتن جميعاً بل إنّما لك أن تصرّح بأنّه

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.5.20.11.2]

ضعيف الإسناد أو تطلق القول و تعنى بالإطلاق ضعف الإسناد فقط. إذ ربما يكون ذلك المتن قد روي بسند آخر يثبت بمثله الحديث و أنت لم تظفر بـه.[1] (الرواشح، ص ۲۰۳، چاپ کتابخانهٔ آیت الله مرعشی، ۱۴۰۵ ق)

مولی محمّد تقی مجلسی (۱۰۰۳ـ۱۰۷۰)

۱. ازکتب صدوق ظاهر می‌شودکه حدیث غیرصحیح را درکتابهای خود نقل ننموده است. (لوامع صاحبقرانی، ج ۱، ص ۱۰۱)

۲. چون شهادت این دو نفر [کلینی و صدوق]کمتر از شهادت اصحاب رجال نیست، یقیناً، بلکه بهتر است... (لوامع صاحبقرانی، ج ۱، ص ۱۰۵)

۳. کافی و ابن‌بابویه حکم به صحّت این اخبار نموده است. و صحّتی که ایشان می‌گویند، آن است که یقیناً معصوم فرموده است. (لوامع، ج ۱، ص ۱۸۸)

۴. اکثر اینها [....] به اعتقاد بنده صحیح است، ولکن به قانون متأخّرین، این نحو ذکر می‌کنم. (لوامع، ج ۲، ص ۱۱۱ و ۴۱۱)

۵. اصول اربعمائة به محضر معصومین ـ سلام الله علیهم ـ عرضه می‌شد. (لوامع، ج ۶، ص ۵۴۶)

۶. ذکرناها علی قوانین الأصحاب، و إلّا فالظاهر صحّة أخبار الکـافي و الفـقیه جمیعاً. (روضة المتقین، ج ۷، ص ۸۳ـ۸۴)

ملاّصدرا (۹۷۹ـ۱۰۵۰)

۱. هذا الحدیث و إن کان ضعیف السند ـ لوقوع الضعفاء مثل سـهل‌بن زیـاد و مفضّل‌بن صالح و غیرهما في طریقه ـ إلّا أنّ ذلك لایقدح في صحّته، لأنّه معتضد بالبرهان العقليّ. وکذلك کثیر من الأحادیث الواردة في أصول المعارف و مسائل

۱. علّامه محمّد تقی مجلسی اوّل، در روضة المتقین، شواهد فراوانی در این زمـینه آورده است. ایشـان، ذیل موارد فراوانی که شیخ صدوق مرسل یا به سند ضعیف آورده، می‌نویسد: «رواه الکلینيّ في الکافي صحیحاً» یا «رواه الشیخ في التهذیب موثّقاً» و نمونه‌های فراوان در این زمینه در آن کتاب آمده است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.5.20.11.2]

التوحید و غیره. (شرح اصول کافی، چاپ سنگی محمودی، ص ۱۸، ذیل کتاب العقل و الجهل، ح ۲)

۲. ذیل حدیث جنود عقل و جهل که به طور مرفوع روایت شده، وصف بلیغی در ارزش آن حدیث دارد که اهل تحقیق بدان مراجعه کنند. (همان، ص ۲۶، ذیل کتاب العقل و الجهل، ح ۱۲)

مولی محمّد صالح مازندرانی (ـ۱۰۸۶)

۱ـ اعلم أنّ الحدیث ـ و إن کان ضعیفاً بأسانیده الثلاثة عند المتأخّرین ـ لکنّه غیر مضرّ، لأنّه أثر الصحّة في مضمونه لایح، مع تأیّده بالعقل و النقل. (شرح الکافی، ج ۱۱، ص ۱۴۱، چاپ اسلامیّه، ذیل کتاب الروضة، ح ۱)

مولی محمّدبن علی اردبیلی (ـ۱۱۰۱)

اعلم أنّ الشیخ الطوسی ـ قدّس الله سرّه ـ صرّح في آخر التهذیب و الاستبصار بأنّ هذه الأحادیث التي نقلناها من هذه ألجماعة أخذت من کتبهم و أصولهم، و الظاهر أنّ هذه الکتب و الأصول کانت عنده معروفة کالکافي و التهذیب. و غیرهما عندنا في زماننا هذا کما صرّح به الشیخ محمّدبن علیّبن بابویه ـ رضي الله عنه ـ في أوّل کتابه من لایحضره الفقیه. فعلی هذا لو قال قائل بصحّة هذه الأحادیث کلّها و إن کان الطریق إلی هذه الکتب و الأصول ضعیفاً إذا کانوا مصنفّوا هذه الکتب و الأصول و ما فوقها من الرجال إلی المعصوم ثقات، لم یکن مجازفاً. (جامع الرواه، ج ۲، ص ۵۴۸)

علاّمه محمّدباقر مجلسی (۱۰۳۷ـ۱۱۱۰)

۱. ایشان بارها بر این نکته تأکید می‌ورزد که حدیثی با وجود ضعف سند، مضامین آن صحیح است.

نک: اربعین، ص ۳۳۶، ۳۶۶، ۴۷۱، ۴۹۷، ۴۷۹، ۵۰۹.

مرآة العقول، ج ۱، ص ۲۲.

۲. ذیل احادیث متعدّدی در کافی و تهذیب می‌نویسد:

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.5.20.11.2]

«ضعيف على المشهور معتمد عندي» يا «ضعيف على المشهور معتبر عندي»

نک: مرآة العقول، ج ۱، ص ۱۴۲؛ ج ۳، ص ۱۵۳؛ ج ۷، ص ۳۶۸ و... نیز ملاذالاخیار، ج ۱۲، ص ۴۸۸؛ ج ۱۳، ص ۱۷۲.

۳. در مورد زیارت جامعه کبیره می‌فرماید: نفس هذه الزيارة شاهد عدل على صحّتها. (ملاذ الاخیار، ج ۹، ص ۲۴۷)

۴. خطبة الوسيلة[ضعيف]، لكن هذه الأخبار، قوّة مبانيها و رفعه معانيها تشهد بصحّتهاو لاتحتاج إلى سند. (مرآة العقول، ج ۲۵، ص ۳۵)

۵. [در مورد خطبهٔ طالوتیّه] ضعيف على مصطلح القوم، لكن بلاغة الكلام و غرابة الأسلوب و النظام تأبّى عن صدوره عن غير الإمام علیه‌السلام. (مرآة العقول، ج ۲۵، ص ۷۰)

۶. حدیث «ثلاثة لاينظر إليهم...» را در مرآة العقول، ج ۴، ص ۱۹۳ـ۱۹۴ (طبق مبانی متأخّرین) مجهول دانسته، ولی خود در حق الیقین، ص ۵۲۰ و نظم اللّئالی، ص ۲۲۲، همان حدیث را به «سند معتبر» دانسته است.

۷. الصدوق أعرف بصدق الأخبار و الوثوق عليها من ذلك البعض... بل ليس جرم اكثر المقدوحين من أصحاب الرجال إلّا نقل مثل تلك الأخبار. (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۸۲)

۸. در مقدّمه شرح صحیفه گوید:

اعلم أنّ علماءنا السلف ـ رضوان الله عليهم ـ لم يهتمّوا بضبط أسانيد الدعوات و تكثيرها، اهتمامهم بها في سائر العبادات و الأحكام لأمور...

الثالث: أنّ كثيراً من الدعوات تشهد فصاحة عباراتها و غرابة أساليبها على كونها صادرة من معادن النبوّة و الخلافة، بل لايجوّز ذوفطرة سليمة و فطنة قويمة صدورها عن غيرهم علیهم‌السلام و أدعية الصحيفة كذلك كما لايخفى.

مع أنّها لاشتهارها مستفيضة، بل متواترة معلومة الصدور عمّن ألهمها صلوات الله

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.5.20.11.2]

علیه؛کما أنّ سائر الکتب المشهورة معلوم الانتساب إلی مؤلّفیها، مع قطع النظر عن أنّ الطرق من علمائنا إلیها کثیرة مذکورة في کتب الإجازات، و نـقل الأدعـیة مـنها الشیخ و غیره من أکابر القوم و لکلّ من العلماء إلیها طریق عن مشیختهم...

فإذا عرفت هذا، فاعلم أنّهم إنّما ذکروا سنداً واحداً فی أوّل الصحیفة، لاتّصال السند اعتماداً علی اشتهارها؛ فلاینظر إلی حـال رجـال سـندها، و لایـضرّ جـهالة بعضهم. (الفرائد الطریفة فی شرح الصحیفة الشریفة، چاپ اصفهان: مکتبة العلامة المجلسی، ۱۴۰۷ ق، ص ۷ـ۹)

سیّد نعمةالله جزائری (۱۰۵۰ـ۱۱۱۲)

۱. در مورد سند صحیفهٔ سجّادیّه می‌نویسد:

أبوالحسین محمّدبن الحسن حاله مجهول في الرجال،کحال الخازن و الخطّاب و البلخيّ. و هو غیر قادح لتواتر هذه الصحیفة الشریفة بین الخاصّة و العامّة، حتّی أنّ الغزّاليّ و غیره سموّها إنجیل أهل البیت و زبور آل محمّد علیهم الصلوات. و إنّما زیّـنها أصـحابنا ـ رضـوان الله عـلیهم ـ مسـندة، تـیمّناً و تـبرّکاً بـاتّصال روایـتها بالمعصوم علیه السلام مع أنّ هؤلاء من المشایخ الإجازة لامن أهل الروایة، فلایضرّ جـهالة حالهم. مع أنّ إعجاز أسالیبها و بلوغها الغایة القصوىٰ من البلاغة، شاهدان عدلان علی أنّها إنّما صدرت من تلك الأنفاس القدسیّة و النفحات السبحانیّة. (حاشیهٔ محدّث جزائری بر صحیفهٔ سجّادیّه، نسخهٔ خطی ۵۴۸۱ کتابخانهٔ مجلس به نقل: سفینه، شماره ۹، ص ۱۰۱)

۲. دربارهٔ احادیث توحید صدوق گوید:

اعلم أنّ أسانید الأخبار المذکورة فی هذا الکتاب، و إن کان أکـثرها غـیر نـقيّ بالاصطلاح الجدید، لکن هذا لایقدح فیها من وجوه:

منها: إنّها صحیحة باصطلاح المتقدّمین؛ فإنّ الصحیح عندهم ما تکرّر في کتب الأصول الأربعمائة أو الکتب، او ما قامت لهم قرینة عـلی صـحّته و صـدوره عـن الإمام علیه السلام، و إن کان رواته فاسدي العقیدة، سیّما الأخبار التي یرویها الصدوق طاب

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.5.20.11.2]

ثراه في مؤلّفاته، فإنّه يتعهّد بوضوح أسانيدها عنده.

و منها: أنّ اكثر هذه الروايات الواردة في الأصول مأخوذة من كلام سيّد الموحدّين عليه السلام، و طبقات فصاحتها شاهد عدل على صحّتها، و إن وصلت إلينا على طريق الإرسال.

و منها: أنّ الأخبار المرويّة في هذا الكتاب أكثرها موافق لما في الكافي، و هى هناك مذكورة بالطرق المعتبرة، فلا يضرّها أنّها غيرصحيحة بطرق المجتهدين. (نور البراهين، ج ۱، ص ۴۶ـ۴۷، ذيل باب ۱ كتاب التوحيد)

۳. لاريب أنّ كلمات هذه الخطبة و ينبوع هذه الفصاحة لايصدر إلّا عن أميرالمؤمنين عليه السلام، فلا حاجة لها إلى تفاوت السند، بل الطريق في أمثالها إنّما هو للتيمّن و التبرّك و رعاية العنعنة.

(همان كتاب، ج ۱، ص ۹۵ـ۹۶، ذيل كتاب التوحيد صدوق، باب التوحيد و نفى التشبيه، ح ۲)

۴. هذه الخطبة أكثر كلماتها مأخوذ من خطب أميرالمؤمنين عليه السلام، فلا يقدح فيها عدم نقاوة الطريق. (همان كتاب، ج ۱، ص ۱۲۱، ذيل كتاب التوحيد صدوق، باب التوحيد و نفى التشبيه، ح ۳)

۶ـ قال شيخنا المحقّق (= علامه مجلسى) أبقاه الله تعالى: هذا الخبر مأخوذ من الكافي، و فيه تغييرات عجيبة تورث سوء الظنّ بالصدوق و أنّه إنّما فعل ذلك ليوافق مذهب أهل العدل...

أقول: لعلّ الصدوق ـ رحمة الله ـ نقل هذه الرواية برواية الكلينيّ لكن من غير الكافى، إمّا من محفوظاته أو من باقي كتبه، و إلّا فنسبة التحريف في الخبر ليوافق المذهب، ممّا لايمكن نسبته إلى الصدوق. (همان كتاب، ج ۲، ص ۲۸۲، ذيل كتاب التوحيد صدوق، باب السعادة و الشقاوة، ح ۱)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.5.20.11.2]

سیّد علی خان مدنی (۱۰۵۲ـ۱۱۲۰)

۱. لمّا كانت نسبة الصحيفة الشريفة [السجّاديّة] إلى صاحبهاعليه‌السلام ثابتة بالاستفاضة التي كانت تبلغ حدّ التواتر، لم يقدح في صحّتها الجهل بأحوال بعض رجال إسنادها. (رياض السالكين، ج ۱، ص ۵۸)

مولی ابوالحسین فتونی عاملی (۱۰۷۰ـ۱۱۳۸)

۱. ایشان در سال ۱۱۰۵ رساله‌ای نوشته تحت عنوان «تنزیه القمیّین عن المطاعن». این رساله با تحقیق کاظم جواهری در مجلّهٔ تراثنا شماره ۵۲ (۱۴۱۸) ص ۱۶۳ـ۲۴۲ چاپ شده است. ایشان در این رساله، به‌کلام یکی از بزرگان پاسخ داده که گفته بود: «محدّثان قمی به جز صدوق، مجبّره و مشبّهه بوده‌اند و یونس‌بن عبدالرحمن و فضل‌بن شاذان به قیاس عقیده داشته، بدان عمل می‌کردند.»

در صفحهٔ ۲۳۶ پس از ذکر ادلّه در تأیید محدّثان قمی می‌نویسد: جرح این همه عالِم، شهادت یک عادل واحد است که در برابر این همه معارض اعتبار ندارد.

۲. ایشان بحثی مفصل در مورد غلوّ در مقدمهٔ تفسیر مرآة الانوار (ص ۵۹ـ۶۹ چاپ اسماعیلیان) مطرح کرده که بسیاری از مصادیق غلوّ را که درکتابهای رجالی آمده، نقد و بررسی می‌کند. به آن رجوع شود.

مولی محمّدباقر وحید بهبهانی (۱۱۱۸ـ۱۲۰۶)

۱. و المحقّق في المعتبر [...] بالغ في التشنيع على من اقتصر على الصحيح. (الفوائد الحائريّة، ص ۴۸۸)

۲. بل الصحيح لايعارض المنجبر المذكور، كما هو المعروف المشهور من فقهائنا المتقدّمين و المتأخّرين، و حقّقناه و أثبتناه في ملحقات الفوائد الحائريّة. (مصابيح الظلام، ج ۱، ص ۱۰۲)

۳. ... و أيضاً منجبرة بفتوى المتقدّمين و المتأخرين. (همان، ج ۳، ص ۱۱۶)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.5.20.11.2]

۴. و لايضرّ الإرسال، أمّا أوّلاً... حمّاد ممّن أجمعت العصابة على تصحيح ما يصحّ عنه. و أمّا ثانياً فلإنجبارها بالشهرة العظيمة. (همان، ج ۳، ص ۲۶۰)

۵. و هذه الروايات، و إن كانت ضعيفة الإسناد، إلّا أنّها منجبرة بالقواعد الشرعيّة و بعمل الأصحاب... و المنجبرة أقوى من الصحيحة. (همان، ج ۳، ص ۲۹۵)

۶. و هذه الرواية لاتقصر عن الصحيح لو لم يكن أقوى منها، لوجودها في الكتب المعتبرة عن الكلينيّ و الصدوق و الشيخ، مع أنّ الكلينيّ و الصدوق قالا في أوّل كتابيهما ما قالا. (همان، ج ۵، ص ۵۰۸)

۷. و قصور السند بابن‌فضّال، و الإرسال غير مضرّ، بعد الانجبار بعمل أكثر الأصحاب. (همان، ج ۶، ص ۴۴)

۸. در کتاب الفوائد الحائريّة، فائدهٔ ۲۲، حدود چهل وجه در اعتبار حديث می‌شمارد.[1]

۹. بل الخبر المنجبر بعمل الأصحاب، أقوى من الصحيح ـ من حديث هو الصحيح ـ بمراتب شتّى، و بالقبول أحرى. و بناء الفقهاء في الأعصار و الأمصار كان كذلك إلى زمان صاحب المدارك. (الفوائد الحائريّة، ص ۱۴۳)

۱۰. عند معارضة الضعيف المنجبر مع الصحيح الغير المنجبر، يرجّح ذلك الضعيف على ذلك الصحيح كما ستعرف. (الفوائد الحائريّة، ص ۴۸۷ـ۴۸۸)

۱۱. ممّا ذكر ظهر أيضاً أنّه إذا وقع التعارض بين الضعيف المنجبر بالشهرة و الصحيح الغير المنجبر، يكون الضعيف مقدماً عليه كما هو طريقة القدماء و اكثر المتأخّرين. (الفوائد الحائرية، ص ۴۹۱)

۱۲. بل و ربّما كانت مثل الرواية بالمعنى و نظائرها سبباً [أي للتضعيف]، و لعلّ من أسباب الضعف عندهم قلّة الحفظ و سوء الضبط، و الرواية من غير إجازة، و

۱. ترجمه این گفتار در نوشتاری تحت عنوان «بحث دربارهٔ ضوابط ارزیابی احادیث» در سفینهٔ شماره ۱۸، ص ۱۷۶ـ۱۸۷ آمده است. (ویراستار)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.5.20.11.2]

الرواية عمّن لم‌يلقه، و اضطراب ألفاظ الرواية...

وكذا نسبة الغلوّ عندهم، حتّى تراهم أنّ نفي السهو عنهم‌عليهم‌السلام غلوّ، بل ربّما جعلوا نسبة مطلق التفويض إليهم، أو المختلف فيه، أو الإغراق في تعظيمهم، و رواية المعجزات عنهم و خوارق العادات لهم، أو المبالغة في تنزيههم من النقائص، و إظهار سعة قدرتهم، و إحاطة العلم بمكنونات الغيب في السماء و الأرض، ارتفاعاً موجباً للتهمة.

(القوائد البهبهانيّة، ص ۸، ذيل رجال الخاقانی، ص ۳۷. بنگرید: هامش مقباس الهداية، ج ۲، ص ۲۹۷)

[به نقل: مقدمة التحقيق كتاب الوصية عيسى‌بن مستفاد، چاپ مكتبة اميرالمؤمنين‌عليه‌السلام، مشهد، ص ۲۵ـ۲۶]

موارد فراوانی به این مضمون در مصابیح الظلام هست. بنگرید: ج ۱۰، ص ۴۷۲، ۴۰۰، ۵۱، ۴۱۲، ۷۳، ۲۴،

ج ۵، ص ۳۲۸، ۳۳۵

ج ۴، ص ۲۶۴، ۹۳، ۴۲۲،

ج ۳، ص ۲۶۰، ۱۱۶،

ج ۲، ص ۴۰۸،

ج ۸، ص ۵۰۸،

نقل قول از وحید بهبهانی در مستدرکات علم الرجال مرحوم نمازی ۶۱/۱.

مولی مهدی نراقی (۱۱۲۸ـ۱۲۰۹)

۱. و إن كانت ضعيفة إلّا أنّ الرواية معتبرة لوجودها في الأصول المعتبرة. (مستند الاحكام، ج ۱۷، ص ۳۳۴)

۲. و لايضرّ ضعف الروايات بعد وجودها في الأصول المعتبرة. (همان، ج ۱۵، ص ۳۱)

۳. للمرويّ في المصباح المنجبر ضعفه بالاشتهار. (همان، ج ۱۵، ص ۱۶۱)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.5.20.11.2]

۴. و وصف الروايتين بعدم الصحّة ـ مع أنّه غير ضائر عندنا مع وجودهما في الأصول المعتبرة و انجبارهما بالإجماع المحقّق و المحكيّ مستفيضاً... غير جيّد. (همان، ج ۱۷، ص ۱۷)

۵. و تضعيف هذه الرواية ـ مع انجبارها بما مرّ حتّى اشتهرت بالمقبولة ـ غير جيّد أيضاً... هذا مع أنّ في السند قبلهما صفوان‌بن يحيى، و هو ممّن نقل إجماع العصابة على تصحيح ما يصحّ عنه. (همان، ج ۱۷، ص ۱۹)

سيّد علی طباطبایی (۱۱۶۱ـ۱۲۳۱)

۱. المعتبرة المنجبرة قصوره بالجهالة، بعمل الطائفة. (رياض المسائل، ج ۱۳، ص ۴۸۲)

در اینجا قانونی کلّی بیان می‌دارد که: حدیثی را که علما به آن اعتنا و اعتماد کرده‌اند، گرچه سندش مجهول و ضعیف باشد، معتبر شمرده می‌شود.

۲. مضافاً إلى الخبر المنجبر قصوره أو ضعفه بالعمل. (همان، ج ۵، ص ۱۰)

سيّد عبدالله شبر (۱۱۸۸ـ۱۲۴۲)

۱ـ فهي [= الزيارة الجامعة] كسائر كلامهم، الذي يُغني فصاحة مضمونه و بلاغة مشحونه عن ملاحظة سنده، كنهج البلاغة و الصحيفة السجّاديّة و أكثر الدعوات و المناجاة. (الأنوار الامعة، طبع امين، ص ۱۴)

محمّد حسين اصفهانی (ـ۱۲۵۴)

ایشان در باب تعدّد الفاظ ذمّ گوید:

و منها قولهم: ضعيف، أو ضعيف الحديث. و هو غير صريح في التفسيق، لجواز أن يكون التضعيف من جهة الاعتماد على المراسيل، كما هو الظاهر من الأخير، و لو صرّح بذلك لم‌يقدح قطعاً، و إن عدّه بعضهم قادحاً، كما عن كثير من القمّيّين.

الفصول الغرويّة، ص ۳۰۴ [بنگريد: هامش منتهى المقال، ج ۱، ص ۱۱۳]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.5.20.11.2]

[بـه نـقل: مـقدمة التـحقيق كـتاب الوصـية عـيسى‌بن مسـتفاد، چـاپ مكـتبة اميرالمؤمنين عليه السلام، مشهد، ص ۲۵]

شیخ مرتضی انصاری (۱۲۱۴ـ۱۲۸۱)

۱. ایشان دربارهٔ حدیثی که سندش ضعیف باشد، می‌گوید: اگر کسی از سلیقه و رویّهٔ محدّثان قم آگاه باشد که آنان خبر ضعیف را ـ در حالتی که محفوف به قرائن نباشد ـ نقل نمی‌کردند... فهذا ممّا یوجب الاعتبار فی الجملة. (مکاسب محرّمه، آخرین صفحه از چاپ تبریز)

۲. إنّ السیّد (= الشریف المرتضی) یدّعي تواترها (أحادیث) أو احتفافها بالقرینة المفیدة للعلم، کما صرّح به في محکيّ کلامه في جواب المسائل التبّانیات من أنّ أکثر أخبارنا المرویّة في کتبنا معلومة مقطوع علی صحّتها إمّا بالتواتر أو بأمارة و علامة تدلّ علی صحّتهاو صدق رواتها فهي موجبة للعلم مفیدة للقطع و إن وجدناها في الکتب مودَعةً بسندٍ مخصوص من طریق الآحاد. (رسائل، ص ۹۲، چاپ سنگی، ۱۳۲۶ قمری، خط مصطفی نجم‌آبادی؛ افست مصطفوی، ۱۳۷۴ قمری)

.... و لا یخفی أنّ شهادة مثل هذا المحدّث الغوّاص في بحار أنوار أخبار الأئمّة الأطهار علیهم السلام لعمل أصحاب الأئمّة بالخبر الغیر العلمیّ و دعواه به حصول القطع له بذلك من جهة التواتر، لایقصر عن دعوی الشیخ و العلاّمة الإجماع علی العمل بأخبار الآحاد و سیأتي أنّ المحدّث الحرّ العامليّ في الفصول المهمّة ادّعا ایضاً تواتر الأخبار بذلك.

و منها [دلائل عمل به خبر واحد] ما ذکره شیخنا البهائيّ في مشرق الشّمسین: ان الصحیح عند القدماء ماکان محفوفاً بما یوجب رکون النفس الیه.

... و لیس هذا مثل الصحیح عند المتأخّرین... فالمراد أنّ المقبول عندهم ماترکن إلیه النفس و تثق به... (رسائل، چاپ افست مصطفوی، ۱۳۷۴ قمری، ص ۹۸)

و مثل ما في الاحتجاج عن تفسیر العسکريّ علیه السلام في قوله تعالی: «و منهم أمّیّون

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.5.20.11.2]

لایعلمون الکتاب الآیة» من أنّه قال رجل للصادق علیه السلام: فإذاکان هؤلاء القوم من الیهود و النصاری... إلی أن قال... أولئك أضرّ علی ضعفاء شیعتنا من جیش یزید ـ لعنة الله علیه ـ علی الحسین بن علی علیهما السلام. انتهی.

دلّ هذا الخبر الشریف، اللّائح منه آثار الصدق علی جواز قبول قول من عرف بالتحرّز عن الکذب... (رسائل، ص ۸۵ـ۸۶)

میرزا ابوالفضل تهرانی (۱۲۷۳ـ۱۳۱۶)

۱. صدوق، به نحو ارسال ـ که کمتر از غالب مسانید نیست ـ ... (شفاء الصدور، ص ۲۸۵، طبع سنگی، ۴۰۰/۱؛ بنگرید: ص ۳۹۴، طبع سنگی، ۱۶۷/۲، چاپ دوجلدی)

۲. [سند زیارت عاشورا] بر مبنای قدماء سند صحیح است. و بر مبنای متأخّرین، یا صحیح است یا حَسَن و بر مبنای من، حجّت می‌باشد. (شفاء الصدور، ص ۴۷ـ۴۸، چاپ سنگی و ۶۴/۱ـ۷۲ چاپ دوجلدی)

حاج آقا رضا همدانی (ـ ۱۳۲۲)

۱. اعتماد کلینی و صدوق، اطمینان بخش‌تر از توثیق دانشمندان رجال است.

و کیف کان فالروایة بحسب الظاهر من الروایات المعتبرة التي لایجوز ردّها من غیرمعارض مکافئ إذ لیس المدار عندنا في جواز العمل بالروایة علی اتّصافها بالصحّة المصطلحة، و إلّا فلا یکاد یوجد خبر یمکننا إثبات عدالة رواتها علی سبیل التحقیق، لولا البناء علی المسامحة في طریقها، و العمل بظنون غیرثابتة الحجّیّة.

بل المدارعلی وثاقة الراوي، أو الوثوق بصدور الروایة، و ان کان بواسطة القرائن الخارجیّة التي عمدتها کونها مدوّنة في الکتب الأربعة، أو مأخوذة من الأصول المعتبرة مع اعتناء الأصحاب بها، و عدم إعراضهم عنها، و لا شبهة في أنّ قول بعض المزکّین بأنّ فلاناً ثقة أو غیر ذلك من الألفاظ التي اکتفوا بها في تعدیل الرّواة لایؤثر في الوثوق أزید ممّا یحصل من إخبارهم بکونه من مشایخ الإجازة، و لأجل

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.5.20.11.2]

ماتقدّمت الإشارة إليه جَرَت سيرتي على ترك الفحص عن حال الرجال، و الاكتفاء في توصيف الرواية بالصحّة، كونها موصوفة بها في ألسنة مشايخنا المتقدّمين التي تفحّصوا عن حالهم. (مصباح الفقيه، كتاب الصلوة، چاپ سنگی، ص ۱۲؛ چاپ حروفی، ج ۹، ص ۶۰)

۲. تضعيف مثل هاتين الروايتين منافٍ لما هو الحقّ، و عليه المحقّق من أنّ كلّ ما قبل الأصحاب من الروايات، فهو مقبول و إن ضعف سنده. (مصباح الفقيه، كتاب الطهارة، چاپ سنگی، ص ۳۵۹)

سیّد محمّد تقی موسوی اصفهانی (۱۳۰۱ـ۱۳۴۸)

قال المتأخّرون من المجتهدين: الخبر الصحيح ما كان راويه في كل طبقة عدلاً اماميّاً. و قال المتقدّمون: هو ما حصل الاطمئنان بصدوره عن المعصوم.

و مرادي بالصحيح فی هذا الباب (باب اوّل ازكتاب مكيال المكارم) هو المعنى الاوّل، وكلّما عبّرت فيه: بسند كالصحيح أو الصحيح على بعض الوجوه، فهو الصحيح بالمعنى الثاني.

(مكيال المكارم، ج ۱، ص ۵۸، ط مؤسّسة الإمام المهدی عليه السلام، ۱۴۲۲، در پايان باب اوّل كتاب)

میرزا محمّد حسین نائینی (۱۲۷۷ـ۱۳۵۵)

آیت‌الله خویی می‌نویسد:

از استادم مرحوم نایینی شنیدم كه می‌گفت: إنّ المناقشة في أسناد الكافي حرفة العاجز. (معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۹۹)

شیخ عبّاس قمّی (۱۲۹۴ـ۱۳۵۹)

۱. (در مورد شیخ صدوق): اصحاب ما مراسيل او راكمتر از مراسيلِ ابن‌ابی‌عمير نمی‌دانند.

(تحفة الاحباب، ص ۴۶۹، ذيل نام محمّدبن حسين‌بن بابويه قمی، رقم ۶۲۶)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.5.20.11.2]

۲. عیسی‌بن المستفاد... بعضی علما او را ضعیف شمرده‌اند، ولکن اعاظم شیوخ بر کتاب او اعتماد کرده‌اند و از آن کتاب نقل نموده‌اند؛ مانند: ثقة الاسلام (کلینی) و سیّد رضی و سیّد ابن‌طاووس. (تحفة الاحباب، ص ۳۷۱، رقم ۴۹۷)

۳. محدّث قمی در مورد یونس‌بن ظبیان، بعضی اقوال را در تضعیف او آورده و سپس کلامی از محدّث نوری ـ عطّر الله مرقده ـ در خاتمهٔ مستدرک در پاسخ به آن اقوال نقل می‌کند و طالبین را به آن کتاب شریف ارجاع می‌دهد. (تحفة الاحباب، ص ۵۸۲ـ۵۸۳، رقم ۷۶۲)

۴. در مورد مفضّل‌بن عمر جعفی، بعضی اقوال را در تضعیف او آورده و پاسخ آن را به تفصیل داده است. (تحفة الاحباب، ص ۵۱۹ـ۵۲۱، رقم ۶۸۹)

سیّد محسن امین (۱۲۸۴ـ۱۳۷۱)

فإنّ نهج‌البلاغة لایحتاج إلی شاهد، بل هو الشاهد بنفسه لنفسه. (اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۷۹)

سیّد محمود امام جمعه زنجانی (۱۳۰۹ـ۱۳۷۴)

الصحیفة المطهّرة القدسیّة و تعرف بزبور آل محمّد و انجیل أهل البیت ـ سلام الله علیهم ـ متواترة قطعیة الصدور. و ناهیك اشتمالها علی لباب الإلهیات بألفاظ في غایة الفصاحة، یمتنع صدورها عن غیر أهل العصمة. و ذلك بحمدالله تعالی عدّ من الأوّلیّات عند من له إلمام بالإسلام و قدم راسخ في العلوم، حتّی أنّها أوضح صدوراً من نهج البلاغة، إذ ربّما یتعیّي فیه شاذّ في غایة الندرة ممّن ختم الله علی قلبه و جعل علی بصره غشاوة، إمّا لفقدان الاستعداد العلمیّ و جبلّة التحصیل و ملکة النقد أو لغریزة النّصب و الشّقاوة الذاتیّة. و قد أوضح جملة من علماء العامة صحّة انتساب نهج‌البلاغة و أثبت بالمدارك الحیّة وجود الخطب في مصنّفات ثلّة من علماء الفریقین الذین ماتوا قبل مولد السیّد رضي‌الدین بمائة سنة، و بالغ في ذلك

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.5.20.11.2]

العلّامة ابن‌أبي الحديد المعتزليّ في شرحه المعروف في غير موضع من كتابه ببيانات مختلفة، فراجع.

و بالجملة لم‌يذكرخلافٌ مّا من أحد في صحّة انتساب هذا الصحيفة. و لم ينقل ترديد فيه إلى يومنا هذا. فالغرض من ذكر الأسانيد، بعد التبرّك باسماء شيوخ العلم و أساطين المعرفة و حملة الدين ـ سلام الله عليهم ـ هو حفظ حريم فنّ الحديث.

(حاشیهٔ نسخهٔ خطّی صحیفهٔ سجّادیّه به خطّ ایشان، به نقل: سفینهٔ شمارهٔ ۷، ص ۱۸۳ و ۱۸۴)

شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۹۳ـ۱۳۸۹)

۱. محقّق تهرانی توضیح می‌دهد که اصول اربعمائة به محضر امام رضا و جواد ـ سلام الله علیهما ـ عرضه شده است. (الذریعه، ج ۲۴، ص ۱۵۱)

وقتی اصولِ چهارصدگانه به محضر معصوم عرضه شود و کلینی و صدوق و امثال آنها، از آن کتابها اخذ کنند، اگر تک‌تک افراد سند مربوط توثیق نشوند، همین صحّه گذاشتن معصوم حکایت از آن دارد که این راویِ توثیق نشده خلاف نگفته است.

۲. ایشان رساله‌ای دربارهٔ کتاب کافی نوشته و در آن، مبانی متقدّمان و متأخّران‌را در ارزیابی احادیث آن کتاب بیان داشته، و مبانی ثقة الاسلام کلینی را در آن توضیح داده است. متن کامل این رساله با ترجمه فارسی آن در سفینهٔ شمارهٔ ۲، ص ۶۷ـ۷۹ آمده است.

سیّد محمّد هادی میلانی (۱۳۱۳ـ۱۳۹۵)

۱. دعای شریف ندبه، شامل اعتقادات حقّه و مستند به معصوم علیهم‌السلام است. علّامه مجلسی در بحار [الانوار، ج ۲۲، چاپ سنگی] از طریق سید ابن‌طاووس از شیخ جلیل محمّدبن مشهدی ـ که درکتاب مزار خود نوشته متعهّد است که دعاها و زیارات این کتاب را از ثقات روات، از حضرات معصومین علیهم‌السلام نقل نماید ـ و در زاد

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.5.20.11.2]

المعاد از حضرت امام صادق‌علیه‌السلام نقل کرده و علّامه نوری در کتاب تحفة الزائر با شرح مفصّلی آن را نقل نموده است. بعد از نقل این بزرگواران و اسناد آن به معصوم‌علیه‌السلام اطمینان کامل حاصل می‌گردد و تشکیک بعضی بی‌خبران قابل اعتنا نیست؛ به خصوص که این دعا نزد بزرگان علما، از قدیم، صحّت آن از مسلّمات بوده است؛ همچنان که شیخ بزرگ، مرحوم حاج شیخ مرتضی انصاری ـ اعلی الله مقامه ـ به بعضی کلمات این دعا استشهاد نموده‌اند. (دیدگاههای علمی آیت‌الله سید محمّدهادی میلانی، به کوشش غلامرضا جلالی، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۴ ش، ص ۱۱۹)

۲. یدلّ علیه ما ذهب إلیه المشهور ما رواه في المستدرك عن عوالي اللئالي قال: سئل الصادق‌علیه‌السلام فقیل له: یابن رسول الله ما حال شیعتکم في ما خصّکم به... [الحدیث مستدرک الوسائل، باب ۴ من الأنفال، ح ۳] و هذه الروایة، و إن لم‌تکن فی مجامع الحدیث التي علیها العمل، لکنّها توافق مضموماً لما ذهب إلیه المشهور من الصدر الأوّل، و بذلك یحصل ما هو الملاك لحجّیّة الخبر، و هو الوثوق بصدوره، مضافاً إلی دلالة الروایات الآخر بعمومها التي منها روایة سالم‌بن مکرم عن أبي عبدالله‌علیه‌السلام في حدیث یسأل الرجل...

[الحدیث، وسائل، باب ۴ من الانفال، ح ۴]

(محاضرات في فقه الإمامیّة، ج ۴، مجلّد خمس، ص ۲۰۹)

شیخ علی نمازی شاهرودی (۱۳۳۳ـ۱۴۰۵)

۱. ایشان در مقدّمهٔ جلد اوّل مستدرکات علم الرجال، مباحث مبسوطی در اثبات اعتبار کتب اربعه دارد. (ص ۱۹ـ۶۹)

۲. ایشان کتابی مستقل در همین موضوع نوشته باعنوان «الأعلام الهادیة الرفیعة باعتبار الکتب الأربعة» که توسّط انتشارات جامعهٔ مدرسین قم، چاپ و منتشر است. تلخیص و ترجمهٔ فارسی آن در قالب یک مقاله، در سفینهٔ شمارهٔ ۲، ص ۸۰ ـ ۱۰۸ آمده است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.5.20.11.2]

امام خمینی (۱۳۲۰ـ۱۴۱۰)

کتاب البیع امام خمینی، ص ۴۶۸:

مرسلات الصدوق على قسمين: أحدهما ما أرسل و نسب إلى المعصوم‌علیه‌السلام بنحو الجزم كقوله: قال اميرالمؤمنين‌علیه‌السلام كذا. و ثانيهما ما قال: روي عنه‌علیه‌السلام مثلاً. و الأوّل من المراسيل المعتمدة المقبولة.

[شبیه عبارت وحید بهبهانی در مصابیح الظلام، ج ۸، ص ۱۶۵. و مع ذلك قال: قال اميرالمؤمنين‌علیه‌السلام، و لم يقل: رُوي عن اميرالمؤمنين‌علیه‌السلام]

آیت الله سیّد ابوالقاسم خویی (۱۳۱۷ـ۱۴۱۳)

۱ـ در مورد فرمان اميرالمؤمنين‌علیه‌السلام به مالک اشتر می‌نویسد: و العهد، و إن نقل مرسلاً إلّا آثار الصدق منه لائحة. (مصباح الفقاهة، ج ۱، ص ۲۶۸)

۲. ضعيفة السند... إلّا أنّ تلك التعليلات... تعليلات صحيحة، فلا بأس بالتمسّك بها. (همان، ص ۴۳۶)

۳. ... و من البديهيّ أنّ الصحيفة [السجّاديّة] وصلت إلينا بسند معتبر. (همان، ص ۳۳۶)

۴. در مواضع مکرّر، با وجود ضعف سند حدیث، حکم بر صحّت متن حدیث می‌کند. (همان، پاورقی ص ۲۵۱، ومتن ص ۲۶۸ و ۴۳۶)

۵. استناد به جملاتی از زیارت جامعه کبیره و استخراج حکم فقهی از آن. (همان، ص ۳۲۳)

سیّد احمد روضاتی (معاصر)

صدور ادعية الصحيفة الكاملة السجّاديّة المعروفة ـ و هي التي بين يديك ـ من إنشاء الإمام السجّاد زين‌العابدين عليّ‌بن الحسين‌علیه‌السلام، ممّا لاشكّ فيه و لاشبهة تعتريه، لكونها مشتملة على حقائق المعرفة و الحكمة. و فيها عبقة من كلام النبوّة و

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.5.20.11.2]

قبس من نور مشكاة الإمامة. فهي كالصحف الإلهيّة السماويّة. و لذا عبّروا عنه تارة بزبور آل محمّد و أخرى بإنجيل أهل البيت و ثالثة بأخت القرآن، تجاه نهج البلاغة الذى هو أخ القرآن، لأنّ القرآن هو كتاب نازل، و هذه الصحيفة و الأدعية قرآن صاعد.

فقد تواتر نقل الصحيفة الكاملة عن سيّد الساجدين عليه السلام. و لذا استدلّ بها فقهاؤنا الأكابر و أعاظم المجتهدين، أمثال صاحب الجواهر في مقام الاستنباط، كما في صلاة الجمعة.

فتواتر الصحيفة الكاملة مغنى عن ذكر إسنادها مع أنّ الطرق إلى روايتها كثيرة... و بالجملة تواتر الطرق و قوّة دلالة المتن على صدوره عن المعصوم عليهم السلام يغنينا عن الإطالة في المقام. و قد بسطنا الكلام حولها في كتابنا «المستدركات على روضات الجنّات».

(مقدّمهٔ ایشان بر نسخهٔ چاپ عکسی صحیفهٔ سجّادیّه به خط میر ابوالقاسم کبیر، بنگرید: سفینه، شماره ۷، ص ۱۸۷ـ ۱۸۹)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.5.20.11.2]